

نامه ای به دوستان

* این هم نامه ای پر محبت بچه هایی است که قصه ی «اولدوز و کلاغ ها» را پیش از چاپ شنیدند و نخواستند ساکت بمانند. نامه توسط آموزگار آن بچه ها به دست این نویسنده رسیده است.

- به دوستان اولدوز سلام داریم، هر که از اولدوز خبری برای ما بیاورد مژده می دهیم. ما نگران کلاغ ها، یاشار و اولدوز هستیم. ما صابون زیاد داریم. می خواهیم بدهیم به اولدوز. ما منتظر بهاریم. دیگر کلاغ ها را اذیت نخواهیم کرد. ما می خواهیم که ننه ها مثل ننه کلاغه باشد. ننه کلاغه مادر بود. ما مادر را دوست داریم. ننه کلاغه با شوهرش دوست بود. می خواهیم ننه ی ما هم با بابای مان دوست باشد. ما خیال می کنیم آقا کلاغه، اولدوز و یاشار رفته اند به دعوا. دعوا کنند. با باباها، زن باباها. ما به یاشار تیر و کمان درست خواهیم کرد. لانه ی کلاغ ها را خراب نخواهیم کرد تا آقا کلاغه آن بالا بنشیند، هر وقت زن بابا آمد، بابا آمد، اولدوز را خبر کند. ما به اولدوز کفش و لباس خواهیم داد. ماهی ها را خواهیم دزدید. عنکبوت ها را جمع خواهیم کرد. آقا کلاغه مژده خواهد آورد. در جنگ پیروز خواهند شد. یاشار دست اولدوز را خواهد گرفت، خواهند آمد. اولدوز مادری خوب خواهد شد و یاشار بابای خوب. مادر عروسی آن ها خواهیم رقصید. ما نگران هستیم. نگران همه شان. می خواهیم برویم کمک آن ها. می خواهیم آن ها از شهر کلاغ ها زود برگردند.

دوست دار اولدوز، یاشار، کلاغ ها(نام و امضای ۲۸ نفر شاگردان کلاس ششم دبستان دولتی امیرکبیر- آذر شهر) ۴/۱۱/۱۴

منبع: قصه های صمد بهرنگی: کتاب اول جلد اول مجموعه قصه ها

(ناشر: کتاب ارزان ۱۹۹۸) چاپ اول

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

ایمیل: yashazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴